

## «اجرای حقوق و اقامه دعاوی بدهکار بوسیله طلبکاران او»

عبدالله خدابخشی<sup>(۱)</sup>

طلبکاران شخص مدیون در عین حال که می‌توانند به طرح دعوی علیه مدیون اقدام نمایند و حقوق خود را استیفاء کنند، در مواردی حق دارند به اشخاص ثالث که رابطه حقوقی با آنها ندارند رجوع کنند. در مواردی به نام و حساب خود (دعوی مستقیم) و در مواردی بحساب و نام بدهکار (دعوی غیر مستقیم) اقدام نمایند. حق ابطال معاملات زیان بار نسبت به آنها نیز در قانون پیش بینی شده و با اصول حقوقی منطبق است. دعوی ابطال معامله به قصد فرار از دین، راهی است که حقوق طلبکاران را تضمین می‌کند. پرورش این دعاوی در حقوق ایران که با دو نوع دعوی مستقیم و غیر مستقیم ییگانه است و البته علت آن توجه ناچیز نویسندگان حقوقی و رویه قضایی به آنها می‌باشد، می‌تواند اثرات مفید این دعاوی را نشان داده و مخصوصاً در قسمت دعوی مستقیم، بسیاری از مشکلات حقوقی ناشی از اصل نسبت قرار داد را حل و فصل نماید.

متن حاضر ترجمه بخشی از کتاب تعهدات اثر بوریس استارک نویسنده فرانسوی است که بدلیل رعایت اختصار نسبت به دیگر متون فرانسوی، ترجمه و ارائه می‌شود.

**کلید واژه‌ها:** دعوی مستقیم - دعوی غیر مستقیم - دعوی ابطال معامله به قصد فرار از دین - دعوی پل - قائم مقامی - تقلب - خسارت و زیان.

## اجرای حقوق و اقامه دعاوی بدهکار بوسیله طلبکاران او<sup>(۱)</sup>

اجرای این حقوق به دو صورت متجلی می‌گردد: طلبکاران می‌توانند از طریق دعوی غیرمستقیم و در برخی موارد استثنائی از طریق دعوی مستقیم، به اجرای این حقوق اقدام نمایند. ما به ترتیب این موارد را ملاحظه و بررسی می‌نماییم.

### بخش اول: دعاوی غیر مستقیم<sup>(۲)</sup>

۲۵۵۷ - ماده ۱۱۶۶ قانون مدنی فرانسه اعلام می‌کند «طلبکاران می‌توانند همه حقوق بدهکارشان را اجرا و دعاوی او را اقامه نمایند؛ مگر آن حقوق و دعاوی که منحصراً وابسته به شخص بدهکار می‌باشد.»<sup>(۳)</sup>

برای مثال آنها می‌توانند از اشخاص ثالث، بدهکاران بدهکارشان، تقاضای پرداخت نموده و اموالی را که اشخاص مذکور لازم است به بدهکارشان تسلیم کنند، مطالبه نمایند. به این ترتیب دعاوی غیرمستقیم، تحت عنوانی که طلبکاران بر می‌گزینند، علیه شخص ثالث اقامه می‌شود.

علت نامگذاری آن دعوی به دعوی غیرمستقیم چیست؟ این عبارت در قانون نیامده ولی صرفاً اهمیت و ارزش ظاهری ندارد. با این عبارت، چنین بیان می‌شود که طلبکاران به نام خود و بطور مستقیم علیه اشخاص ثالث، بدهکار بدهکارشان، اقدام به طرح دعوی می‌نمایند. طلبکاران، دعوی مذکور را به جای بدهکاری اقامه می‌کنند که خود او بطور معمول می‌تواند به این امر اقدام کند، ولی به جای اینکه به این کار اقدام نماید، حقوق خود را مهمل نهاده و دعاوی خود را اقامه نمی‌نماید.

طلبکاران، این دعوی را به جای بدهکار و به عبارت دیگر به صورتی غیرمستقیم اقامه می‌کنند. این دعوی به صورت (indirecte) نیز نامیده شده ولی نامگذاری آن به (action oblique) متداول تر است.

1- De L'exercice des droits et action du de'biteur par ses cre'anciers.

2- L'action oblique.

3- Article 1166 du code civil: "les creanciers peuvent exercer tous les droits et action de leur de'biteur, a l'exception de ceux qui sont exclusivement attache's a' la personne.

لازم است به تشریح شرایط و آثار این نوع دعوی طلبکاران بپردازیم.

### قسمت اول: شرایط اقامه دعوی غیرمستقیم

این شرایط در ارتباط با بدهکار، طلبکاران و نهایتاً حقوق و دعوی قابل اعمال از طریق این دعوی، می‌باشند.

#### اول: شرایط مربوط به بدهکار

۲۵۵۸ - اقامه دعوی غیرمستقیم منوط به [تحقق] اعسار و عجز بدهکار از پرداخت دیون<sup>(۱)</sup> و نیز قصور<sup>(۲)</sup> و اهمال وی می‌باشد. در صورت فقدان اعسار او، دلیلی وجود ندارد که اجازه دخالت در امور بدهکار، به طلبکاران وی داده شود. از سوی دیگر در صورتی که بدهکار هیچ‌گونه تقصیر و اهمالی در اجرای حقوق خویش نداشته باشد، طلبکاران وی نیز از امتیازی که اجرای حقوق بدهکار را به جانشینی او توجیه نماید بی بهره خواهند بود. زیرا بدهکار مانند شخص متوقف<sup>(۳)</sup> یعنی ممنوع از اداره امور خویش محسوب نمی‌شود.<sup>(۴)</sup> دادگاهها این شرایط را به صورتی مطلق و حاکم، در مقابل طلبکارانی که این دعوا را طرح می‌کنند، به رسمیت شناخته‌اند. در صورت فقدان یکی از این شرایط، دعوی طلبکاران باید مردود اعلام گردد.<sup>(۵)</sup>

#### دوم: شرایط مربوط به طلبکاران

۲۵۵۱ - همه طلبکاران می‌توانند دعوی مذکور را اقامه نمایند و نه تنها طلبکاران عادی و بدون حق رهانه و تضمین<sup>(۶)</sup> بلکه آن دسته از طلبکاران واجد

1- L'insolvabilite'.

2- La ne'gligence.

3- dessaisi.

۴- برای ملاحظه این دو شرط رجوع شود به رأی مورخه ۱۱ ژوئیه ۱۹۵۱ شعبه اول مدنی دیوان کشور فرانسه مندرج در دالوز، ۱۹۵۱، صفحه ۵۸۶.

۵- رأی مورخه ۷ مارس ۱۹۵۶ مندرج در مجله مجموعه هفتگی شماره ۵۶، بخش دوم، شماره ۹۳۷۴.

6- Les cre'anciers chirographaires.

تضمینات نیز حق اقامه دعوی غیر مستقیم را دارند.<sup>(۱)</sup> تاریخ [تحقق] طلب آنها در این مورد تفاوتی نخواهد داشت (در بحث دعوی ابطال معامله به قصد فرار از دین<sup>(۲)</sup> در مورد تاریخ طلب، قاعده‌ای متفاوت خواهیم دید).

۲۵۶۰ - برای طرح دعوی غیر مستقیم، نیازی نیست که طلبکار اقامه کننده دعوی، دارای سند لازم الاجرا<sup>(۳)</sup> باشد. در حقیقت این دعوی نوعی اقدام اجرایی<sup>(۴)</sup> تلقی نمی‌گردد. البته دعوی مذکور، مقدمه اجرای حق محسوب می‌شود. اما در هنگام طرح دعوی غیر مستقیم، اموالی که از اشخاص ثالث، بدهکاران بدهکار، مطالبه می‌شود، موضوع توقیف قرار نمی‌گیرند.<sup>(۵)</sup>

۲۵۶۱ - بدلیل پیش گفته، برای اینکه دعوی غیر مستقیم به نام بدهکار اقامه شود، ضرورتی به تحقق استنکاف<sup>(۶)</sup> بدهکار از پرداخت دیون خویش نیست. [لازم به احراز و اثبات ارسال اخطار پرداخت دیون به بدهکار نیست]. مطالبه دین، مقدمه ضروری اقدام اجرایی است؛ ولی دعوی غیر مستقیم، نوعی اقدام اجرایی بحساب نمی‌آید.<sup>(۷)</sup>

۲۵۶۲ - برای طرح دعوی غیر مستقیم، طلبکاران، اصولاً مکلف به جلب شخص بدهکار به دادرسی،<sup>(۸)</sup> به این معنی که از طریق دخالت اجباری،<sup>(۹)</sup> وی را مکلف به شرکت در دادرسی نمایند<sup>(۱۰)</sup>، نیستند. اما این اصل مقرون به نکات ذیل می‌باشد:

- جلب بدهکار به دادرسی، در واقع، اقدامی مفید تلقی می‌گردد زیرا رأی دادگاه در برابر او قابل استناد خواهد بود.

۱- رأی مورخه ۹ ژانویه ۱۹۲۰ دادگاه پاریس مندرج در دالوز ۱۹۲۱، صفحه ۱۱۱.

2- L'action paulienne.

3- Le titre exécutoire.

4- une mesure d'exécution.

۵- رأی مورخه ۲ دسامبر ۱۹۵۷ لیون مندرج در مجله کاخ دادگستری ۱۹۵۸، بخش ۱، صفحه ۱۳۳.

6- En demeure.

۷- رأی مورخه ۷ مارس ۱۹۲۳ مندرج در مجله دالوز هفتگی ۱۹۲۳، صفحه ۲۸.

8- Mettre en cause le débiteur.

9- L'intervention forcée.

۱۰- رأی مورخه ۲۳ ژانویه ۱۸۴۹ شعبه اول مدنی دیوان کشور فرانسه مندرج در دالوز ۱۸۴۹، بخش ۱، صفحه ۴۲، رأی

مورخه ۱۴ دسامبر دادگاه شهرستان والنس، مندرج در دالوز ۱۹۶۱، صفحه ۶۱۹ که بوسیله (GORE) شرح داده شده است.

- از نظر قانونی، اگر طلبکار در همان دعوی، بخواهد اموالی را که از بدهکار بدهکارش مطالبه می‌نماید و قانوناً نیز می‌بایست به او تحویل گردد، [به سود خود توقیف و] درخواست کند، جلب بدهکار به دادرسی امری ضروری است.<sup>(۱)</sup>

۲۵۶۳ - اشاره به این نکته ضروری است که تنها اشخاصی حق اقامه دعوی غیرمستقیم را دارند که دارای طلبی مسلم<sup>(۲)</sup>، نقد<sup>(۳)</sup> و قابل مطالبه<sup>(۴)</sup> باشند.<sup>(۵)</sup> ضرورت طلب نقد و قابل مطالبه، از طرف نویسندگانی که معتقدند دعوی غیرمستقیم، اقدامی احتیاطی و تأمینی<sup>(۶)</sup> تلقی می‌گردد، مورد انتقاد قرار گرفته است.

آنها از این واهمه دارند که تقصیر بدهکار، موجب اعسار او گردد و استدلال خود را بر این اساس قرار می‌دهند. البته برای اقدامات تأمینی و احتیاطی، نیازی به طلب نقد و قابل مطالبه از سوی طلبکاران نیست. اما این استدلال و عقیده، قوی و غالب نمی‌باشد. زیرا دعوی غیر مستقیم، اقدام احتیاطی و تأمینی محسوب نمی‌گردد بلکه واسطه<sup>(۷)</sup> اقدام اجرایی و احتیاطی است. این دعوی، غالباً مقدمه توقیف اموال است و به همین دلیل، بر اساس رویه قضایی، طلب باید نقد و قابل مطالبه باشد تا امکان اقامه دعوی غیرمستقیم وجود داشته باشد.

سوم: شرایطی که در ارتباط با حقوق و دعاوی اقامه شده، مطرح می‌شوند.

ماده ۱۱۶۶ مذکور، آنچه را که از «حقوق و دعاوی»<sup>(۸)</sup> باید بدست آورد و متوجه گردید، بیان نمی‌کند. در این ماده، تنها به خارج بودن و استثناء شدن حقوق و دعاوی «منحصراً وابسته به شخص بدهکار»<sup>(۹)</sup> اکتفا شده است بدون اینکه معیار و ضابطه‌ای را برای فهم چنین حقوق و دعاوی، معین نماید. با این حال رویه قضایی

۱- رأی مورخه ۲۷ مه ۱۹۷۰ شعبه اول مدنی دیوان کشور فرانسه مندرج در مجله هفتگی، شماره دوره‌ای ۷۱، بخش دوم، شماره ۱۶۶۷۳، که بوسیله (GUY POULIAIN) شرح داده شده است.

2- Certaine.

3- Liquide.

4- Exigible.

۵- رأی مورخه ۲۶ اکتبر ۱۹۳۶ دادگاه مدنی سن، مندرج در مجله دالوز هفتگی ۱۹۳۶، صفحه ۵۶۴. رأی مورخه ۲۵

مارس ۱۹۲۴ مندرج در دالواژ هفتگی ۱۹۲۴، صفحه ۲۸۲.

6- Une mesure conservatoire.

7- Intermediaire.

8- Droites et actions.

9- Exclusivement attache's a' la personee.

نکات مختلف آن را روشن نموده است.

۲۵۶۴ - الف: واژه‌های حقوق و دعاوی بر چه چیزی دلالت دارند؟ مطابق عقیده‌ای، این عبارات، تکرار صرف بوده و تنها «دعاوی» می‌باشند که از طریق دعوی غیر مستقیم قابل طرح و اجرا در دادگاه هستند. اما این عقیده قوی و غالب نیست. واژه‌های حقوق و دعاوی دارای معنی واحد نبوده و می‌توان گفت که روش غیر مستقیم در خصوص «اجرای غیر قضایی و خارج از دادگاه نسبت به حقوق»<sup>(۱)</sup> هم میسر است. ۲۵۶۵ - ۱ - طلبکاران، مسلماً می‌توانند در خصوص اجرای حقوق بدهکار خود، اقداماتی را معمول دارند؛ برای مثال آنها می‌توانند به اقدام احتیاطی در مورد تبلیغ به هدف جلب مشتری در خصوص رهن، خرید یا تحصیل مال غیر منقول یا هر حق دیگری که از طریق انتشار و آگاهی به عموم اجرا می‌گردد، دست بزنند<sup>(۲)</sup>. ولی امکان اجرای این حقوق تا کجا ادامه دارد؟ بدیهی است که طلبکار را نمی‌توان جانشین بدهکار نمود زیرا بدهکار از تصرف و دخالت در دارایی خود و اجرای حقوق منع نشده است. با این بهانه که موضوع تصرف طلبکار در امور بدهکار، مناسب و مطلوب می‌باشد، نمی‌توان به تحصیل مال به جای او اقدام کرد یا به جای بدهکار، اموال غیر منقول او را به اجاره داد یا اقدام به فروش محصولات وی نمود یا با این انگیزه که چون بدهکار در مورد اموالش به صورتی نامناسب و نامطلوب عمل می‌کند و یا شرایط تحصیل مال وی مورد پسند نیست و یا اجاره‌ای با قیمت بسیار پایین منعقد نموده است، به تصرف در اموال بدهکار اقدام نمود.<sup>(۳)</sup>

۲۵۶۶ - موضوع اجرای برخی از اختیارات<sup>(۴)</sup>، مسأله‌ای است که پاسخ‌گویی به آن با تردید بیشتری همراه است: قبول یا رد ترکه یا قبول ایجاب بیعی که خطاب به بدهکار بعمل آمده است و بدهکار در قبول آن ذینفع می‌باشد. موضع رویه قضایی در مورد این امور، یکسان نیست. اما به نظر می‌رسد اکثریت آراء اجرای این اختیارات را

1- L'exercice non judiciaire des droits.

۲- رأی مورخ ۳۰ نوامبر ۱۹۲۶ شعبه عرایض دیوان کشور فرانسه مندرج در دالوز ۱۹۲۸، بخش ۱، صفحه ۴۹ که بوسیله (JOSSEMAND) شرح داده شده است.

۳- رأی مورخ ۱۳ نوامبر ۱۸۵۲ مندرج در دالوز ۱۸۵۶، بخش ۲، صفحه ۲۱.

از طریق دعوی غیر مستقیم نمی پذیرند زیرا این امر در واقع، به میزان زیادی، دخالت در امور بدهکار محسوب می شود.<sup>(۱)</sup>

۲۵۶۷ - ۲ - در مورد دعاوی مورد بحث، اصل بر آزادی اقامه آنها است<sup>(۲)</sup>. از طریق دعوی غیر مستقیم، طلبکار، نه تنها می تواند پرداخت بدهی پولی بدهکار را درخواست کند (هر چند این امر بندرت عملی می شود زیرا طلبکاران با حق ممتاز، با استفاده از مکانیسم توقیف طلب<sup>(۳)</sup>، نسبت به توقیف آن نزد بدهکارشان اقدام می کنند) بلکه می تواند اجرای قرارداد و تحویل اموال قابل تسلیم به خود را که لازم است از طرف شخص بدهکار بعمل آید، نیز درخواست کند. علاوه بر این طلبکاران می توانند به جای بدهکارشان، اقدام اجرایی را تقاضا و دنبال نمایند و این امر به مثابه همان توقیف طلبی است که خود مدیون می توانسته نسبت به «مدیونین بدهکاران مخصوص خود»<sup>(۴)</sup> درخواست کند.<sup>(۵)</sup>

۲۵۶۷ - با این حال، رویه قضایی، دعوایی را که هدف از آن بازگرداندن مال غیر قابل توقیف<sup>(۶)</sup> به دارایی بدهکار است، نمی پذیرد. در این موارد، دعوی غیر مستقیم عاری از هر گونه فایده و نفعی است؛ چه ثمره ای در بازگرداندن مال در دارایی بدهکار است در حالی که قانون توقیف آن را منع می کند؟ «در جایی که نفعی نباشد، دعوی منتفی است»<sup>(۷)</sup>. بنابراین طرح دعوی غیر مستقیم در خصوص مایحتاج زندگی، حقوق بازنشستگی و جبران خسارت ناشی از حوادث کار و... ممکن نیست.

۲۵۶۹ - ب - منظور از حقوق و دعاوی که منحصرأ وابسته به شخص بدهکار

۱- رجوع کنید به مثال های مربوط به این مسأله در دالوز، مجله دوره ای حقوق مدنی، ذیل عنوان دعوی غیر مستقیم، شماره ۲۴.

2- Le principe est en faveur de la liberte' d'action.

3- Saisie arre't.

4- Les de'biteurs de ses propres de'biteurs.

5- c'est une situation complexe ou interviennent quatre personnes: le cre'ancier cxercant l'action oblique; son de'biteur; le debiteur de ce debiteur; le debiteur de ce dernier - v.civ. 25

sept. 1940 et 21 Janv. 1942; 133, not CARBONIER.

6- Un bien insaisissable.

7- Pas d'inte're't, pas d'action.

می‌باشند چیست؟ مواردی وجود دارد که از دارایی مالی بدهکار خارج بوده<sup>(۱)</sup> و خصایص و ویژگیهای آن را ندارند: «دعوی طلاق<sup>(۲)</sup>» و «نفی ولد<sup>(۳)</sup>» و بطور کلی همه دعاوی مربوط به وضعیت مدنی<sup>(۴)</sup> بدهکار، قابلیت طرح دعوی از سوی طلبکاران را ندارند. حتی در صورتی که این دعاوی آثار مالی در بر داشته باشد باز هم بدین دلیل که مفهوم نظم اخلاقی آنها را پوشش می‌دهد، از طریق دعوی غیر مستقیم اعمال نمی‌شوند و طلبکاران حق دخالت در این امور را ندارند.

۲۵۷۰- به همین دلیل، طرح دعوی غیر مستقیم در مورد موضوعی که بلاواسطه در ارتباط با دارایی مالی شخص است ولی متضمن نوعی ارزیابی و بررسی از حیث جنبه اخلاقی می‌باشد، ممنوع است<sup>(۵)</sup>. بعنوان مثال، تقاضای جبران بدلیل اعمال افتراآمیز، تقاضای فسخ هبه به دلیل عدم قدرشناسی متهب و تقاضای تقسیم اموال بین زوجین از این قبیل موارد می‌باشد. اخیراً رأی صادره از دادگاهی به طلبکاران اجازه نداده است که به نام شوهر [از همسر او] تقاضای اجرت اداره هتل متعلق به همسرش را نمایند حال آنکه شوهر، خود می‌توانست این اجرت را مطالبه کند<sup>(۶)</sup>. همچنین رأی داده شده است که اختصاص حقوق ویژه و ممتاز در خصوص پاره‌ای امتیازات در هنگام تقسیم ماترک<sup>(۷)</sup> از طرف طلبکاران و ارثی که حق مذکور را می‌توانست مطرح و ادعا

1- Extrapatrimonial.

2- L'action en divorce.

3- De'saveu de paternite'.

4- L'etat civil.

۵- رأی مورخ ۲۳ مه ۱۸۵۴ شعبه اول مدنی دیوان کشور فرانسه مندرج در دالواز ۱۹۵۴، بخش ۱، صفحه ۱۷۰. رأی مورخ ۲۹ ژوئن ۱۹۴۸ شعبه اول مدنی دیوان کشور فرانسه مندرج در دالوز ۱۹۴۹، صفحه ۱۲۹ که توسط PONSARD شرح داده شده است.

۶- رأی مورخ ۸ ژوئن ۱۹۶۳ شعبه اول مدنی دیوان کشور فرانسه مندرج در دالوز ۱۹۶۴، صفحه ۷۱۳ که بوسیله LAMAND شرح داده شده است. همچنین مجله هفتگی شماره ۶۵، بخش ۲، شماره ۱۷۰۸۷ که توسط R.SAVATER شرح داده شده است.

7- Partage d'une succession (C.civ, Art 832).



اجرای حقوق و اقامه دعاوی بدهکاران بوسیله طلبکاران او ..... ۵۷

نماید، به شیوه غیر مستقیم میسر نیست<sup>(۱)</sup>. موارد مذکور تنها بخشی از نمونه‌ها و مثالهای مرتبط در این زمینه محسوب می‌شوند. ویژگی شخصی بودن دعاوی غیر مستقیم که خود را در هنگام طرح آن نشان می‌دهد، با بررسی و ارزیابی آراء محاکم معلوم می‌گردد.

۲۵۷۱ - مانع دیگری که در خصوص دعوی غیر مستقیم وجود دارد، در مورد عدم امکان الزام شخص ثالث به افشاء نمودن «رموز حرفه‌ای»<sup>(۲)</sup> مطرح می‌گردد. مخصوصاً در مورد رموز حرفه‌ای کارفرماها و صاحبان کار که البته این مسأله بشدت مورد اختلاف است.<sup>(۳)</sup>



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

۱- رأی دادگاه مدنی (Pe'rigueux) که در تاریخ ۲۵ فوریه ۱۹۵۰ صادر شد و در مجله کاخ دادگستری سال ۱۹۵۰، بخش ۲، صفحه ۱۱۲ چاپ گردیده است.

2- Secret professionnel.

۳- برای ملاحظه پذیرش دعوی غیر مستقیم در این زمینه رجوع شود به رأی مورخه ۱۰ نوامبر ۱۹۵۹ شعبه اول مدنی دیوان کشور فرانسه مندرج در مجله مجموعه هفتگی شماره ۶۰، بخش ۲، شماره ۱۱۵۸۵ که توسط ESMAN شرح داده

### قسمت دوم: آثار دعوی غیر مستقیم

برای درک آثار اجرای حقوق و اقامه دعاوی از طریق غیر مستقیم، باید متوجه این نکته بود که خواهان، حقوق و دعاوی خود را اجرا و اقامه نمی‌نماید بلکه آنهایی را اجرا می‌کند که متعلق به بدهکار است. ما با توجه به روابط موجود میان اشخاص مختلف در این دعوی، به بررسی آثار آن خواهیم پرداخت.

اول: رابطه طلبکاری که دعوی غیر مستقیم را اقامه می‌کند [خواهان] با شخص ثالث طرف دعوی [خوانده].

۲۵۷۲ - شخص ثالث - بدهکار بدهکار - می‌تواند، کلیه طرق دفاعی را که در مقابل طلبکار خویش می‌توانست مورد استناد قرار دهد، در مقابل طلبکار یا خواهان دعوی نیز مورد استفاده قرار دهد. آقای «پل» علیه «ژاک» و به نام «برنارد» اقامه دعوی می‌کند. «ژاک» می‌تواند نسبت به دعوی «پل» همان دفاعیاتی را که در مقابل «برنارد» می‌توانست مورد استناد قرار دهد، اینجا نیز مطرح نماید. برای مثال «ایراد بطلان بدلیل تقلب»<sup>(۱)</sup>. این نکته امری منطقی تلقی می‌گردد زیرا «پل» به جای «برنارد» طرح دعوی می‌کند.

دوم: رابطه میان بدهکار و شخص ثالث تعقیب شده (بدهکار حقیقی او)

۲۵۷۳ - مثال فوق الذکر را مد نظر قرار می‌دهیم، آیا اقامه دعوی توسط «پل» روابط حقوقی بین «برنارد» و «ژاک» را تغییر می‌دهد؟ به هیچ وجه!! «برنارد» ممنوع از تصرف در دارایی خود نیست. او حق اقامه دعوا علیه بدهکار خود را حفظ می‌کند (که در صورت اقامه دعوی او، دعوایی که طلبکارش [پل] طرح نموده است باید مردود اعلام شود). حتی «حق مصالحه»<sup>(۲)</sup> با بدهکارش را خواهد داشت و این مصالحه و سازش، جز در مواردی که «متقلبانه»<sup>(۳)</sup> باشد، در مقابل همه طلبکاران او «قابل استناد»<sup>(۴)</sup> است.

۲۵۷۴ - اگر بدهکار در جریان دعوی اقامه شده توسط طلبکار و به طرفیت

1-L'exception de nullité' pour dol.

2- Le droit de transiger.

3- Frauduleude.

4- Opposable.

مدیون، دخالت نداشته باشد، رأی صادره در خصوص دعوی مذکور، مقابل او قابل استناد نیست، به این دلیل که بدهکار نسبت به این دعوی، شخص ثالث تلقی می‌شود. بدهکار حق دارد از طریق «اعتراض ثالث»<sup>(۱)</sup> به این رأی اعتراض نماید. راهی که دقیقاً و بدرستی برای اشخاص ثالث تجویز شده است. به منظور اجتناب از این نتیجه [غیر قابل استناد بودن رأی در برابر بدهکار]، طلبکاری که دعوی غیر مستقیم را طرح می‌نماید، می‌تواند بدهکار را به دادرسی جلب نماید. به این معنی که در همان دعوی مطروح، بدهکار را به دادرسی فرامی‌خواند. به این ترتیب، رأیی که در رابطه با طلبکار و شخص ثالث - بین «پل» و «ژاک» در مثال ما، صادر می‌گردد، در مقابل بدهکار قابل استناد است زیرا یکی از طرفین دعوا می‌باشد.

سوم: رابطه خواهان و دیگر طلبکاران شخص بدهکار

۲۵۷۵ - از این دیدگاه است که ناکارآمدی و ضعف دعوی غیر مستقیم، مشخص می‌گردد. به این معنی که فایده این دعوی محدود است. فرض این است که طلبکار با اقامه دعوی، اموالی را بدست خواهد آورد که اشخاص ثالث می‌بایست آنها را در دارایی بدهکار وارد نمایند. در صورتی که بدهکار، طلبکاران دیگری غیر از خواهان دعوی داشته باشد، آنها همراه با خواهان دعوی غیر مستقیم که توانسته است مالی را در دارایی بدهکار وارد نماید، می‌توانند به توقیف آن مال اقدام نمایند. بنابراین طلبکار با اقامه دعوی، در حقیقت برای کل طلبکاران اقدام نموده و حتی اگر در میان طلبکاران، شخصی با حق ممتاز وجود داشته باشد، خواهان دعوی با این خطر روبروست که در مرتبه‌ای بعد از این شخص قرار گیرد. در واقع به جهت تسهیل در این دعوی و لحاظ جنبه اقتصادی آن، خواهان می‌تواند در ضمن دعوی، تقاضای صدور دستور اقدامات ضروری را برای وصول طلب خود از دادگاه بعمل آورد. برای مثال به نام بدهکار، اقدام به فروش مالی نماید که از طریق دعوی بدست آورده است<sup>(۲)</sup>. البته

1- La tierce- opposition.

۲- رأی مورخه ۲۳ ژوئیه ۱۹۰۳ شعبه اول مدنی دیوان کشور فرانسه مندرج در دالوز ۱۹۰۳، بخش ۱، صفحه ۴۵۴.

همچنین رجوع شود به مجله سیری ۱۹۰۴، بخش ۱، صفحه ۲۸۹ که بوسیله (TESSIER) شرح داده شده است. رأی

مورخه ۲۷ مه ۱۹۷۰ شعبه اول مدنی دیوان کشور فرانسه که قبلاً ذکر گردید.

این اقدام خواهان، سبب اعطای امتیاز و برتری به وی نمی‌گردد به نحوی که خود را فارغ از رقابت با دیگر طلبکارانی که در فرصت مناسب حاضر و معرفی شده‌اند قلمداد کند.

### بخش دوم: دعاوی مستقیم<sup>(۱)(۲)</sup>

۲۵۷۶ - دعوی غیر مستقیم، منافع زیادی برای طلبکار ندارد. زیرا از یک سو، با خطر ایراداتی روبروست که اشخاص ثالث [خوانندگان] در برابر بدهکار، می‌توانند مورد استناد قرار دهند و از سوی دیگر، نتیجه دعوی، بر فرض موفقیت آمیز بودن آن، عاید کل طلبکاران می‌شود. برای اجتناب از این نتایج مطلوب است که قانونگذار در موارد خاص، دعوی مستقیم را تجویز می‌کند.

دعای مستقیم به طلبکار اجازه می‌دهند، نسبت به طرح دعوی علیه بدهکاران بدهکار خود اقدام کند اما با دعوی غیر مستقیم این تفاوت را دارند که طلبکار دعوی مستقیم «به نام خود»<sup>(۳)</sup> اقدام به طرح دعوی می‌نماید نه به نام بدهکارش. در نتیجه، طلبکار مجبور نیست هم‌تراز با سایر طلبکاران قرار گرفته و در رقابت با آنها باشد. دعوی مستقیم به طلبکار «حقی انحصاری»<sup>(۴)</sup> نسبت به وجوه و اموال مطالبه شده از اشخاص ثالث یعنی همان اشخاصی که بدهکاران بدهکار او هستند، اعطا می‌نماید.

۲۵۷۷ - در مورد ایرادات مطرح شده [توسط خواننده] در این دعوی، باید قائل به تفکیک شد: اشخاص ثالث طرف دعوی، مسلماً حق دارند در مقابل طلبکاران [اقامه کننده]، همه «ایرادات و طرق دفاعی»<sup>(۵)</sup> را که حق داشته‌اند در مقابل خود بدهکار، در صورت طرح دعوی مورد استناد قرار دهند، بکار گیرند. این ایرادات مربوط به قبل از طرح دعوی مستقیم می‌باشند<sup>(۶)</sup>. تعهد باطل اجازه مطالبه و پرداخت را نمی‌دهد و در صورت مطالبه، راه به جایی نمی‌برد زیرا این مطالبه از سوی طلبکار یکی از طرفین

1- Les actions directs.

۲- رجوع شود به رساله دکتری (Solus) با عنوان «دعوی مستقیم و شرح مواد ۱۷۵۳، ۱۷۹۸ و ۱۹۹۴ قانون مدنی» پاریس، ۱۹۱۴. رساله دکتری (COZIAN) با عنوان «دعوی مستقیم» ۱۹۶۹.

3- De son propre chef.

4- Droit exclusif.

5- Les exceptions et moyens de defense.

6- Avant la poursuite.

اجرای حقوق و اقامه دعاوی بدهکاران بوسیله طلبکاران او ..... ۶۱

قرارداد بعمل آمده است [و با وجود بطلان قرارداد، طلبی بوجود نمی‌آید تا طلبکار یکی از طرفین قرارداد، آن را مطالبه نماید]. اما ایراداتی که منشأ آنها «بعد از طرح دعوی مستقیم»<sup>(۱)</sup> است، در مقابل خواهان این دعوی، قابل استناد نیست. برای مثال پس از طرح دعوی علیه ثالث «ادعای تهاثر قانونی»<sup>(۲)</sup> قابل اعتنا نیست.

۲۵۷۸ - قلمرو دعاوی مستقیم کاملاً مضیق و محدود است. این دعاوی جز در مواردی که قانونگذار تجویز نموده است، قلمروی ندارند و موارد مورد اشاره نیز بسیار محدود می‌باشند.

دعاوی اصلی از این قبیل را در اینجا متذکر می‌شویم.

- ماده ۱۷۳۵ قانون مدنی [فرانسه] به «موجر»<sup>(۳)</sup> اجازه طرح دعوی مستقیم را علیه «مستأجر جزء»<sup>(۴)</sup> می‌دهد و موجر می‌تواند مبلغ اجاره دوم [بین مستأجر اول و دوم] را تا اندازه‌ای که مستأجر اول در قرارداد اجاره اصلی به او بدهکار می‌باشد، بطور مستقیم، از مستأجر جزء و دوم مطالبه کند.

- ماده ۱۷۹۸ قانون مدنی به «کارگران یک مقاطعه کار»<sup>(۵)</sup> اجازه طرح دعوی مستقیم را علیه «صاحبکار»<sup>(۶)</sup> جهت دریافت حقوق خود تا اندازه‌ای که صاحبکار در مقابل مقاطعه کار مدیون است اعطاء می‌کند.

- ماده ۵۳ قانون ۱۳ ژوئیه ۱۹۳۰ در مورد بیمه‌ها، از سوی رویه قضایی بعنوان [مبنای] دعوی مستقیم ارائه شده است و به زیان دیده حادثه، اجازه می‌دهد تا علیه «بیمه‌گری که مسئولیت عامل زیان را پوشش داده است»<sup>(۷)</sup> اقدام به طرح دعوی مستقیم نماید.

۲۵۷۹ - آیا اقامه دعوی مستقیم، همانند دعوی غیر مستقیم، منوط به احراز عدم توانایی در پرداخت دیون و قصور بدهکار می‌باشد؟ در برخی موارد، این شرایط توسط قانون بیان شده است (مانند قانون کار در ماده ۳۰ در خصوص دعوی کارگران مقاطعه کار علیه صاحب کار، شرایط مذکور را لازم می‌داند). در برخی دیگر، فقدان

1- Posterieurement a' la Poursuite.

2- Compensation le'gale.

3- builleur.

4- Le sous-locataire.

5- Ouvriers d'un entrepreneur.

6- Maitre de l'ouvrage.

5- L'assureur de la responsabilitte.

لزوم این شرایط، امری بدیهی است (مانند دعوی مستقیم زیان دیده علیه بیمه گر در مورد بیمه مسئولیت مدنی). در سایر موارد [که قانون نسبت به آن ساکت است] مسأله خالی از تردید نیست و رویه قضایی در این خصوص نظری بیان ننموده است.

۲۵۸۰- طرح دعوی مستقیم، مسائل بسیار دشواری را بوجود می‌آورد که ما در این دوره کلی در صدد بیان آنها نیستیم.

### فصل سوم: دعوی ابطال معامله به قصد فرار از دین<sup>(۱)</sup>

۲۵۸۱- مطابق ماده ۱۱۶۷ قانون مدنی «طلبکاران می‌توانند به نام خود، اعمال [حقوقی] بعمل آمده توسط بدهکارشان را که به گونه‌ای متقلبانه در مورد حقوق آنها، منعقد شده است ابطال نمایند». ریشه این دعوی در حقوق روم یافت می‌شود و از زمان (Moyen Age) توسط شارحین متون رومی به «دعوی پل»<sup>(۲)</sup> معروف گردید زیرا دعوی مذکور توسط یکی از «صاحب منصبان قضایی حقوق»<sup>(۳)</sup> روم به نام «پل»<sup>(۴)</sup> ارائه گردیده است. اشاره تاریخی به این دعوی امری لازم و ضروری است هر چند در قانون به صورت قاعده وار مشخص و روشن نشده است. [با در نظر گرفتن تاریخ این دعوی] نتیجتاً قانون مدنی، راه‌حلهای موجود در حقوق روم را در مورد مسائل و مشکلات بسیار این دعوی که پیش از این وجود داشته است مورد تأیید قرار می‌دهد. هدف این دعوی، حمایت از طلبکاران در برابر اعمال بدهکاری است که به صورت متقلبانه، نسبت به حقوق آنها اقدام می‌کند.

بی‌درنگ، باید اشاره نمود که دعوی پل علیه بدهکار (که بنا به فرض عاجز از پرداخت دیون است) اقامه نمی‌شود بلکه علیه اشخاص ثالثی طرح می‌گردد که با تقلب نسبت به طلبکاران، مالی را از سوی بدهکار بدست آورده‌اند. هدف این دعوی، ابطال این گونه نقل و انتقالات، لااقل تا حدی که حقوق طلبکاران را حفظ نماید، می‌باشد.

۲۵۸۲- ماهیت حقوقی دعوی پل<sup>(۵)</sup> مورد اختلاف است. طبق یک نظر، این

1- L'action paulienne.

2- L'action Paulienne.

3- Pre'teur.

4- Paul.

۵- جهت رعایت اختصار، به جای استفاده از عنوان «دعوی ابطال معامله به قصد فرار از دین» عنوان «دعوی پل» مورد

دعوی نوعی «دعوی بطلان»<sup>(۱)</sup> است. اما خواهیم دید برخی از ویژگیهای دعوی پل، با این تحلیل مطابقت ندارد. مطابق نظر دیگری، نوعی «دعوی جبران خسارت»<sup>(۲)</sup> تلقی می‌گردد که از عمل متقلبانه بوجود آمده است؛ «جبران خساراتی که به صورت عین و نفس تعهد»<sup>(۳)</sup> بوده و به معنی «عدم قابلیت استناد»<sup>(۴)</sup> اعمال متقلبانه در برابر طلبکاران می‌باشد.<sup>(۵)</sup> واقع این است که دعوی پل ویژگیهای خاص خود را دارد و قرار دادن آن در چهار چوبی از پیش تعیین شده، دشوار است. البته می‌توان به مقایسه این دعوی با دعاوی بطلان و جبران خسارت پرداخت بدون اینکه به صورت دقیق و واقعی درصدد یافتن و اشاره به وجود تمایز آنها بود<sup>(۶)</sup>. ما شرایط و آثار دعوی پل را به صورت متوالی مورد بررسی قرار خواهیم داد.

### بخش اول: شرایط اقامه دعوی پل

۲۵۸۳ - در این خصوص، مناسب است که در ابتدا اعمال قابل بطلان و بعد از آن، اشخاص ذینفع در دعوی را (بدهکار) مورد بررسی قرار دهیم. اشخاص ثالث که اموالی از مدیون تحصیل نموده‌اند و دعوی پل علیه آنها طرح می‌شود و سرانجام طلبکاران اقامه کننده دعوی مذکور نیز مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

قسمت اول: شرایط مربوط به اعمالی که مورد درخواست ابطال می‌باشند درخواست ابطال نسبت به اعمالی بعمل می‌آید که سبب زیانی به طلبکار شوند و علاوه بر آن، عمل مذکور با توجه به ماهیت خود، قابلیت اعاده به وضع سابق را از طریق دعوی پل داشته باشد.

اول: خسارت و زیان [نسبت به طلبکار]

۲۵۸۴ - مطابق قاعده کلی که بموجب آن «در صورت نبودن نفع، دعوایی نیز

استفاده قرار می‌گیرد. [م.]

1- action en nullite.

2- action en re'paration.

3- re'pation en nature.

4- inopposabilite'.

۵- رجوع شود به (GROUBER) در رساله دکتری سال ۱۹۱۳ خود با عنوان «دعوی ابطال معامله به قصد فرار از

دین».

۶- رجوع شود به (STRACK)، مجله دالوز، یادداشتهای حقوق مدنی، بخش دعوی پل.

وجود ندارد»<sup>(۱)</sup> وجود و تحقق زیان، امری ضروری است. برای مثال، طلبکار دارای حق عادی [طلب بدون تضمین و رهن] نمی‌تواند دعوی پل را نسبت به نقل و انتقالات متقلبانۀ مال غیر منقولی که متعلق رهن قرار دارد و طلب رهنی [حق صاحب رهن یا مرتهن]، همه ارزش مال مذکور را در بر می‌گیرد، به نحوی که طلبکار با حق عادی از محل آن مال، نمی‌تواند استیفاء حق نماید، طرح کند.<sup>(۲)</sup> در عین حال، قاعده‌ای که به آن اشاره شد<sup>(۳)</sup>، مبین معنی و مفهوم «زیان» در این دعوی نخواهد بود. تعیین مفهوم «خسارت و زیان» که از سوی رویه قضایی مورد ارزیابی و بررسی قرار می‌گیرد، در هنگام طرح دعوی حائز اهمیت است که در ادامه به آن اشاره می‌نماییم. در واقع قانون در این خصوص ساکت است؛ [برای این امر] باید در مورد طلبکاری که نسبت به برخی از اموال بدهکار صاحب حقی است با کسی که این وضعیت را ندارد، قائل به تفکیک شد.

۲۵۸۵ - الف: طلبکارانی که نسبت به اموال معینی از بدهکار، دارای حق خاص نمی‌باشند. این طلبکاران کسانی هستند که دارای طلبی عادی، مبلغی پول یا به عبارت دیگر دارای حق ساده‌ای بر روی «وثیقۀ عمومی»<sup>(۴)</sup> دارای بدهکار می‌باشند. (ماده ۲۰۹۳ قانون مدنی). در مورد این طلبکاران، مفهوم زیان، همان معنی و مفهوم مرسوم و شناخته شده را دارد. به این معنی که عمل مورد [درخواست] ابطال، بدهکار را در معرض اعسار قرار دهد یا امکان تحقق اعسار را افزایش دهد. در عین حال، این ضابطه نیازمند توضیحاتی است.

- روشن است که اگر عمل انجام شده بوسیله طلبکار، احتمال وصول طلب طلبکاران را کاهش ندهد، مشمول دعوی پل قرار نمی‌گیرد زیرا طلبکاران بدون وجود نفع، حق طرح دعوی را ندارند. و در این مورد، قاعده پیش گفته [لزوم نفع در دعوی] اعمال می‌گردد.

- از سوی دیگر، بدون شک، اعمالی که سبب خارج شدن اموال بدهکار از



دارایی او می‌شوند و در برابر، عوض آنها نامتناسب و ناکافی است<sup>(۱)</sup> و به این دلیل، سبب تحقق اعسار بدهکار شده یا حالت عجز از پرداخت دیون وی را شدیدتر می‌کنند، از طریق دعوی پل، قابلیت ابطال و تعرض را دارند (البته با فراهم بودن سایر شرایط). هبه و بخششهای بدهکار، اعراض از قبول ماترک و هبه‌ای که خطاب به او ایجاب شده<sup>(۲)</sup> است، بیعی که با ثمن ناکافی منعقد گردیده،<sup>(۳)</sup> «آورده شرکت»<sup>(۴)</sup> [سهم شرکت] یا معامله‌ای بدون سود و منفعت،<sup>(۵)</sup> مشمول این اعمال و اقدامات [زیانبار بدهکار] می‌باشند.

۲۵۸۶ - البته مفهوم اعسار و عجز از پرداخت دیون، به صورتی بسیار گسترده مورد پذیرش دادگاهها قرار گرفته است. حتی در صورتی که از دارایی بدهکار، اموالی منتقل شود و عوضی معادل و متناسب با آنها، وارد دارایی وی شده و جایگزین اموال انتقال یافته گردند و بنابراین، اعسار بدهکار محقق نشود، باز به این دلیل که اموال جایگزین ممکن است به آسانی پنهان شده و از دسترس و تعقیب طلبکاران دور گردند - این مورد در خصوص وجوه نقد میسر است - یا به این جهت که توقیف آنها غیرممکن یا دشوار گردد، دعوی پل را نسبت به اعمال مذکور می‌پذیرند.<sup>(۶)</sup> اخیراً رأیی صادر شده و به روشنی اعلام می‌کند که فروش مال به قیمت معمولی هم مانع [اثبات] تقلب از جانب طلبکاران نیست.<sup>(۷)</sup> در این وضعیت، منظور، اعسار به معنی خاص کلمه

شوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

1- Les actes qui font sortir du patrimoine du débiteur des biens sans contrepartie suffisante.

2- Le renoncement par lui [débiteur] a une succession ou a legs.

رجوع شود به رأی ۲۹ ژوئیه ۱۹۰۲ شعبه عرایض دیوان کشور فرانسه مندرج در دالوز ۱۹۰۳، بخش ۱، صفحه ۳۸۲.

۳- رأی مورخه ۳۰ ژانویه ۱۹۰۰ شعبه اول مدنی دیوان کشور فرانسه مندرج در دالوز ۱۹۰۰، بخش ۱، صفحه ۱۶۷.

4- apport en société.

رجوع شود به رأی ۱۰ مه ۱۸۹۱ دادگاه لیون (Lyon) مندرج در مجله کاخ دادگستری ۱۸۹۸، بخش ۲، صفحه ۲۰۸.

۵- رأی ۲۹ ژوئیه ۱۹۰۳ شعبه عرایض دیوان کشور فرانسه مندرج در دالوز ۱۰۴، بخش ۱، صفحه ۱۹۶.

۶- رأی مورخه ۱۴ ژوئیه ۱۹۶۱ شعبه اول مدنی دیوان کشور فرانسه مندرج در مجله کاخ دادگستری ۱۹۶۱، بخش ۲،

صفحه ۳۰۵.

۷- رأی مورخه ۱۸ فوریه ۱۹۷۱ شعبه اول مدنی دیوان کشور فرانسه مندرج در مجله مجموعه هفتگی ۱۹۷۱، بخش ۴.

نیست و فزونی جنبه منفی دارایی بدهکار نسبت به جنبه مثبت آن، به نحوی که طلبکاران نتوانند به حق خویش برسند، اهمیت کمی دارد.

۲۵۸۷ - در مقابل، بر طبق قاعده‌ای قدیمی که یادآور حقوق روم است، صرف خودداری از اقدام به امری که سبب افزوده شده دارایی بدهکار می‌شود، حتی در صورت متقلبانه بودن آن، از طریق دعوی پل، قابل پیگیری نیست.

این حالت، اساساً، جایی مطرح می‌شود که ایجاب هبه‌ای خطاب به بدهکار بعمل آید ولی او از پذیرش و قبول آن امتناع نماید. تفاوت میان رد ماترک که از طریق دعوی قابل پیگیری است با نپذیرفتن وردهبه‌ای که از طریق دعوی مذکور امکان پیگیری را ندارد، ذکر خواهد شد. توجیه آن بدین صورت است که رد ماترک، سبب می‌شود اموالی که خودبخود و به موجب قانون، در لحظه تحقق مرگ وارد دارایی بدهکار می‌شوند از دارایی او خارج شده یا به تعبیر دیگر، سبب نقص دارایی وارث می‌گردد ولی در مورد هبه، تا زمانی که بدهکار آن را نپذیرفته مالی در دارایی وی وارد نشده است. این توجیه و تفاوت هرچند از حیث حقوقی، تحلیلی دقیق می‌باشد اما بنظر می‌رسد از حیث طرح دعوی پل و استرداد اموال به علت تقلب بدهکار نسبت به طلبکاران، اصولاً مورد قبول قرار نگرفته و اعمال نمی‌شود.<sup>(۱)</sup> آیا لااقل با استفاده از قاعده «تقلب همه چیز را فاسد می‌کند»<sup>(۲)</sup> نمی‌توان معترض اینگونه خودداریهای متقلبانه شد؟

۲۵۸۸ - ب: طلبکارانی که نسبت به برخی از اموال بدهکار، دارای حقوق مخصوص می‌باشند.

- در اینجا، مخصوصاً، موضوع طلبکاران دارای حق عینی رهن مطرح است. این طلبکاران در برابر اعمال متقلبانه بدهکار، حق طرح دعوی پل را بدون در نظر گرفتن اعسار او و در صورتی که اعمال مذکور، ارزش اموال غیرمنقول مورد رهن را کاهش دهد و این کاهش، سبب امتناع اجرای حقوق طلبکاران یا ناکافی بودن برای این حقوق گردد، دارند.

برای مثال، این وضعیت در مورد عقد اجاره‌ای که برای مدت طولانی نسبت به اموال غیرمنقول مورد رهن، منعقد می‌شود یا «اجاره بهایی کمتر از ارزش واقعی»<sup>(۱)</sup> تعیین می‌گردد<sup>(۲)</sup> یا در حالت تعهد به «نمایندگی متقلبانه»<sup>(۳)</sup> در خصوص اجاره دادن اموال مذکور از سوی بدهکار در برابر و به سود شخص ثالث، یافت می‌شود.<sup>(۴)</sup> این قبیل اعمال، ماهیتاً، سبب می‌شوند که طلبکاران از امکان استیفاء حقوق خود نسبت به اموال مذکور محروم شوند.

۲۵۸۹ - طلبکاران دارای حق عینی ناشی از عقد رهن، هرچند [برای وصول طلب خود] تضمینهایی را بدست آورده‌اند، اما چون موضوع حق آنها، اموالی غیر از وجوه نقد می‌باشد، استرداد اموال و تعرض به اعمال متقلبانه‌ای که حقوق آنها را در معرض خطر قرار می‌دهد، بدون اینکه اعمال مذکور منجر به اعسار بدهکار شوند، با استفاده از دعوی پل، مورد پذیرش قرار گرفته است. همچنین، دادگاهها، آرای صادر نموده‌اند که بموجب آنها «شخص ذینفع در تعهد به بیع»<sup>(۵)</sup> و «قراداد ایجاد حق تقدم در خرید و شفعه»<sup>(۶)</sup> نیز حق دارند ابطال عقد بیع را که با سوء نیت و بدون رعایت تعهدات قانونی بدهکار، با شخص ثالث منعقد شده است، درخواست نمایند.<sup>(۷)</sup> در عین حال، این راه حل همیشه مورد تأیید قرار نگرفته است زیرا در این حالت، شخص دارای حق عینی نبوده و از این عنوان در دعوی پل خارج است و در دعوی مذکور، اعسار بدهکار را ادعا و طرح می‌نماید. علاوه بر این ضمانت اجرای اعمال متقلبانه‌ای از این قبیل، فقط

1- Un loyer inferieur a' la valeur re'elle.

۲- رأی مورخه ۱۹ دسامبر ۱۹۴۱ شعبه اجتماعی دیوان کشور فرانسه مندرج در دالوز ۱۹۴۲، صفحه ۶۵.

3- de'le'gation frauduleuse.

۴- رأی مورخه ۲۳ ژوئیه ۱۹۳۷ دادگاه پاریس مندرج در دالوز ۱۹۳۹، بخش ۲، صفحه ۸۱ که بوسیله (RADOUANT) شرح داده شده است.

5- le be'ne'ficiaire d'un promesse de vente.

6- pact de preference.

۷- رأی مورخه ۵ ژوئیه ۱۹۲۶ دادگاه پاریس مندرج در مجموعه دالوز هفتگی ۱۹۲۶، صفحه ۴۷۲. در مورد آراء فرجامی دیوان کشور رجوع شود به رأی ۲۹ ژوئیه ۱۹۲۹ شعبه عرایض این دیوان، همان مجموعه، صفحه ۴۴۵.

صدور حکم به جبران خسارت می‌باشد.<sup>(۱)</sup> با این حال سایر نویسندگان معتقدند که هرچند بطلان این اعمال را از طریق دعوی پل نمی‌توان درخواست نمود اما با استفاده از قاعده کلی تر «تقلب همه عمل را فاسد می‌کند»، این امکان فراهم است.<sup>(۲)</sup>

دوم: ماهیت اعمالی که از طریق دعوی پل، قابلیت ابطال را دارند.

۲۵۹۰- اصولاً، کلیه اعمال بدهکار، تحت هر ماهیتی که باشند، از طریق دعوی پل قابل ابطال می‌باشند، خواه «مجانی»<sup>(۴)</sup> و خواه «معرض»<sup>(۵)</sup> و چه به صورت «دو جانبه و توافقی»<sup>(۶)</sup> یا به صورت «یکجانبه»<sup>(۷)</sup> منعقد شده باشند. اما این اصل، دو گونه قید و شرط دارد: برخی از اعمال، تحت شمول قواعد و رژیم مخصوص به خود قرار دارند و برخی دیگر از طریق دعوی پل قابل ابطال نیستند.<sup>(۸)</sup>

۲۵۹۱- الف: اعمالی که مشمول قواعد خاص قرار می‌گیرند. از این نمونه‌ها،

مواردی را ذکر می‌نماییم.

- «آراء دادگاهها»<sup>(۹)</sup>. تصور شود خواهان در دعوایی، عامدانه و از روی تقلب

نسبت به حقوق طلبکاران، خود را به سود خوانده، محکوم نماید. آراء دادگاهها از

۱- با توجه به نکات مذکور، به این دلیل که خواهان در این حالت، دارای حق عینی نیست و در وضعیتی مشابه طلبکاران گروه اول قرار دارد لازم است که اعسار بدهکار را با همان مفهوم گفته شده، ثابت کند. علاوه بر آن بدلیل تفاوت در ضمانت اجرا، دعوی پل شامل موارد مذکور نخواهد شد زیرا ضمانت اجرای این دعوی، ابطال معامله و استرداد اموال است ولی در مثالهای مورد نظر اصل معامله مصون از ابطال است و مختلف با ضمانت اجرای مسئولیت جبران خسارت، مواجه می‌شد. [م].

۲- رأی مورخ ۲۰ فوریه ۱۹۵۰ (Aix) مندرج در مجله مجموعه هفتگی ۱۹۵۰، بخش ۲، شماره ۵۵۰۱.

3- RADOUANT, note precitee; PLANIOL et RIPERT, Tr. part. t. X, par HAMEL. no 179.

4- 'a titre gratuit.

5- 'a titre onereux.

6- contractuels.

7- unilateraux.

۸- به تعبیر اصولیین، دسته اول، از قاعده مذکور، خروج تخصصی و موضوعی دارند و دسته دوم خروج تخصیصی و

حکمی [م].

9- Les jugements.

طریق دعوی پل که نوعی بطلان به معنی خاص می باشد، قابل ابطال نخواهد بود. قاعده کلی آئین دادرسی این است که «طریق بطلان، نسبت به آراء دادگاهها اعمال نمی شود»<sup>(۱)</sup>. برای اینگونه آراء که با تقلب نسبت به حقوق طلبکاران بدست آمده اند، روش خاصی وجود دارد. این روش همان «اعتراض ثالث»<sup>(۲)</sup> است. ما به ذکر آن بسنده می کنیم. بررسی آن در حیطه حقوق آئین دادرسی مدنی قرار می گیرد.

- اعمالی که زیانبار به حقوق طلبکاران می باشند و توسط بدهکاری که در وضعیت «تصفیه اموال»<sup>(۳)</sup> قرار دارد، منعقد می شوند، از رژیم خاصی که دارای آئین رسیدگی مربوطه می باشد پیروی می نمایند.

- مطابق بند ۲ ماده ۱۱۶۷ قانون مدنی (اصلاح شده در ۱۳ ژوئیه ۱۹۶۵) طلبکارانی که حقوق آنها ذیل عنوان «ماترک»<sup>(۴)</sup> و ناشی از آن یا ناشی از «قرارداد ازدواج یا هر امری راجع به ازدواج»<sup>(۵)</sup> قرار می گردد، باید به قواعد مقرر برای این عناوین اکتفا نموده و وضع خود را تطبیق دهند. متن مذکور به مفاد ماده ۸۸۲ قانون مدنی در مورد تقسیم اموال و ماده ۱۴۷۶ همان قانون که قواعد ارث را برای تقسیم قابل اعمال می داند، ارجاع می دهد. تقلب نسبت به طلبکاران، در هنگام تقسیم اموال بدین صورت است که طرفین، سهم یکی را از اموالی معین می کنند که به آسانی امکان پنهان نمودن آن وجود دارد (جواهرات، اسناد، پول و...) و یا سهم آن طرف را از اموال غیر قابل توقیف تعیین می نمایند. در عین حال، علی رغم این تقلب، تقسیم ابطال ناپذیر است، زیرا قانونگذاری که با حالت اشاعه اموال موافق نیست (قانون مدنی، چنانکه گفته شده است، با حالت اشاعه در اموال سازگاری ندارد)<sup>(۶)</sup> پس از تحقق تقسیم، با ابطال آن،

- 1- voies de nullite' n'ont lieu contre les jugements.
- 2- la tierce - opposition.
- 3- e'tat de re'glement judiciaire ou de liquidation de biens.
- 4- succession.
- 5- contrat de mariage et des re'gimes matrimoniaux.

۶- بدیهی است که حالت اشاعه بدلیل لزوم حصول توافق کلیه شرکاء در امر اداره مال مشترک و احتمال بروز اختلاف و فساد و تلف مال مشاع و دعاوی مخصوص بخود و مشکلات ثبتی و افزاز و جلوه گاه قواعد خاصی و استثنایی نظیر شفعه، مورد طبع قانون نیست و راههای افزاز مال مورد حمایت قرار می گیرند. [م].

قصد ندارد اموال را مجدداً در حالت اشاعه قرار دهد.

۲۵۹۲- با این حال، منافع طلبکاران، فدا نمی‌شود و با تمسک به طریق احتیاطی خاص، این منافع تضمین می‌شود. طلبکاران حق اعتراض به تقسیمی را که بدون حضور آنها صورت گرفته است دارند (ماده ۸۸۲ و ۱۴۷۶ قانون مدنی) و در صورت عدم اعتراض، حق بطلان تقسیم را ندارند.<sup>(۱)</sup> در مقابل در صورتی که تقسیم در غیاب طلبکاران بعمل آید و نسبت به آن، اعتراض شود، دعوی ابطال پذیرفته خواهد شد.<sup>(۲)</sup> اگر تقسیم اموال در شرایطی بعمل آید که طلبکاران عملاً، امکان استفاده از حق اعتراض خود را با توجه به وضعیتی که در آن بسر می‌برند، نداشته باشند نیز بهمین ترتیب عمل می‌شود<sup>(۳)</sup> قواعد مذکور، استثنایی می‌باشند و در اینکه نسبت به سایر موارد تقسیم اموال نظیر تقسیم و تصفیه شرکت، قابلیت اعمال را دارند یا خیر، مسأله مورد اختلاف است و به نظر نمی‌رسد در رویه قضایی مطرح شده باشد.<sup>(۴)</sup>

۲۵۹۳- ب: اعمال خارج از دعوی پل. مطابق قاعده‌ای که در حقوق روم وجود دارد، اصولاً «پرداخت دیون»<sup>(۵)</sup> از طریق دعوی پل قابل ابطال و اعاده نیستند. فرض مسأله بدین صورت است که بدهکار، بدلائیل خاص، طلب یکی از طلبکاران را پرداخت می‌کند (مثلاً طلبکار یکی از اعضای خانواده یا یک دوست تلقی می‌شود). بدهکار با این اقدام، دارایی خود را کاهش می‌دهد ولی مسلم است که «کسی که دیون خود را پرداخت کند، خود را غنی و دارا نموده است»<sup>(۶)</sup> با نگرش به حساب عمل وی، هیچ گونه فقر یا داراشدنی نسبت به بدهکار تحقق نیافته است. اما از نقطه نظر طلبکاران، وضعیت به گونه‌ای دیگر است. بدیهی است پرداخت دیون، میزان وثیقه عام طلبکاران را کاهش می‌دهد و باعث می‌شود که احتمال وصول طلب آنها کاسته گردد و حتی در مواردی این امکان از بین برود. هرچند که ماده ۱۱۶۷ قانون مدنی، در مورد

۱- رأی مورخه ۲۷ دسامبر ۱۹۲۶ دیوان کشور فرانسه مندرج در مجله سیری ۱۹۲۷، بخش ۱، صفحه ۱۱۱.

۲- رأی مورخه ۴ فوریه ۱۸۸۹ شعبه عرایض دیوان کشور مندرج در دالوز ۱۸۸۹، بخش ۱، صفحه ۳۱۳.

۳- رأی مورخه ۲۳ دسامبر ۱۹۲۶ پیش گفته، رأی مورخه اول مه ۱۹۴۵ شعبه عرایض دیوان کشور فرانسه مندرج در

مجله سیری ۱۹۴۵، بخش ۱، ص ۹۹.

4- V. Bourcart, note S. 1922, I, 337.

5- les paiements.

6- qui paie ses dettes s'enrichit.

پرداخت دیون، هیچ مطلبی ندارد اما عدم امکان ابطال این اعمال از طریق دعوی پل، قاطعانه از سوی رویه قضایی مورد پذیرش قرار گرفته است.<sup>(۱)</sup> برای توجیه این نظر، چنین استدلال شده که پرداخت دین همانند «جایزه‌ای در یک مسابقه»<sup>(۲)</sup> تلقی می‌شود و هر طلبکاری، شخصاً باید از منافع خود مراقبت نماید. بعلاوه استدلال شده است که عمل پرداخت دین، اجباری است<sup>(۳)</sup> و طلبکار حق امتناع از دریافت آن را ندارد بنابراین نیازی نیست بدنال یافتن علت قبولی آن باشیم.

۲۵۹۴ - با وجود این، برخی از آراء دادگاهها، موردی را به صورت استثنایی، لااقل با توجه به «انگیزه»<sup>(۴)</sup> [اشخاص] در نظر می‌گیرند: بدین نحو که وقتی پرداخت دیون بدنال تبانی متقلبانه و به هدف زیان رساندن نامشروع به طلبکاران، بعمل آمده باشد، قابل ابطال هستند.<sup>(۵)</sup>

این استثناء برخاسته از یک تفکیک ظریف و موشکافانه میان پرداخت دیون به یکی از طلبکاران به صورت ساده و ارادی و پرداخت به همراه تبانی واقعی و متقلبانه، می‌باشد. البته در مفهوم تقلب در دعوی پل، درجات و مراحل وجود دارد. اقامه عملی این دعوی، دشوار نخواهد بود اما مسأله حقیقی این است که بدانیم آیا می‌توان برای رژیم خاص پرداخت دیون، توجیهی واقعی در نظر گرفت؟

۲۵۹۵ - در هر صورت، هرچند پرداخت دین، مصون از دعوی پل است اما اگر این عمل به صورت متقلبانه انجام شده باشد مشمول دعوی پل قرار گرفته و می‌تواند ابطال شود<sup>(۶)</sup> (بدهکار با رضایت و تبانی طلبکار، مال دیگری را به جای مال مورد تعهد

۱- رأی مورخه ۳ مارس ۱۸۶۹ شعبه اول مدنی دیوان کشور فرانسه مندرج در دالوز ۱۸۶۹، بخش ۱، صفحه ۲۰۰. رأی مورخه ۱۷ ژوئیه ۱۹۴۵، مندرج در دالوز ۱۹۴۶ و مجله کاخ دادگستری ۱۹۴۵، بخش ۲، صفحه ۱۴۳.

2- prix de la course.

3- le paiement etant un acte force .

4- Motif

۵- رأی مورخه ۱۷ ژوئیه ۱۹۴۵، که قبلاً به آن اشاره گردید.

۶- رأی مورخه ۳۰ ژانویه ۱۹۰۰ شعبه اول مدنی دیوان کشور فرانسه مندرج در دالوز ۱۹۰۰، بخش ۱، صفحه ۱۶۶. رأی ۲۳ ژوئیه ۱۹۳۷ دادگاه پاریس مندرج در مجله هفتگی ۱۹۳۸، بخش ۲، صفحه ۴۹۲ که توسط (Dallant) شرح داده شده است. رأی شعبه عرایض دیوان کشور فرانسه مورخه ۲۴ فوریه ۱۹۴۱ مندرج در مجله هفتگی ۱۹۴۲، بخش ۲، صفحه ۱۹۱ که توسط (Becque) تشریح گردیده است.

تسلیم کند)<sup>(۱)</sup>. همین وضعیت در موردی اعمال می‌گردد که پرداخت دیون از سوی بدهکار در طول «دوره مشکوک»<sup>(۲)</sup> بعمل آمده است؛ یعنی مدت زمانی که مقدم بر وضعیت تصفیه دیون می‌باشد.<sup>(۳)</sup>

۲۵۹۶ - تعهدات جدید که باعث تحقق دیون تازه عهده بدهکار می‌شوند، از طریق دعوی پل قابل ابطال نیستند، هرچند که طلبکاران سابق متحمل نوعی رقابت با طلبکاران جدید می‌شوند. شخص بدهکار در وضعیتی بسر نمی‌برد که از حق اداره و اعمال دارایی خود ممنوع باشد و نمی‌توان اجازه ابطال تعهدات جدید بدهکار را به شخص یا اشخاصی اعطا نمود. اما فقدان ممنوعیت بدهکار از دخالت در دارایی خویش، نباید سبب فراموشی این نکته گردد که موضوع مورد بحث، اعمال متقلبانه بدهکار است؛ نکته‌ای که بدیهی و روشن به نظر می‌رسد. تذکر این امر لازم است که اعمالی که بموجب آنها بدهکار از غنی شدن دارایی خود جلوگیری می‌کند و در واقع همان نپذیرفتن هبه‌ها، از دعوی پل خارج است.

۲۵۹۷ - سرانجام، مسأله‌ای که مطرح می‌شود این است که بدانیم آیا اعمال مربوط به «حقوق با خصیصه و ویژگی کاملاً شخصی»<sup>(۴)</sup> نیز مشمول دعوی پل قرار می‌گیرند؟ برخی از نویسندگان در مقایسه با دعوی غیرمستقیم، اعلام نمودند که دعوی پل در مورد این دسته حقوق قابل اعمال نیست.<sup>(۵)</sup> اما به عقیده ما، نظر مخالف، مبنای محکم‌تری دارد<sup>(۶)</sup> زیرا محدودیت‌های مقرر در مورد دعوی غیرمستقیم را نمی‌توان نسبت به دعوی پل اعمال نمود. با این حال بنظر می‌رسد رویه قضایی متمایل به نظر اخیر [عدم پذیرش دعوی پل نسبت به حقوق شخصی] باشد.<sup>(۷)</sup>

1- Dations en paiement.

2- la p'eriode suspecte.

۳- می‌توان این وضعیت را با تاریخ توقف که مقدم بر تاریخ ورشکستگی اعلام شده است در حقوق ایران مقایسه نمود.

(م).

4- des droits 'a caract'eres e'minement personnel.

5- Aubry et Rau, IV, no 313, p. 131; Colin et Capitant, II, no 1370.

6- Planiol et Ripert, Tr. prat. VII, par Radouant, no. 947; Ponsard, not: D.1949. 131.

۷- رأی ۲۸ ژوئیه ۱۹۰۲ شعبه اول مدنی دیوان کشور فرانسه مندرج در دالوز ۱۹۰۳، بخش ۱، صفحه ۳۸۳. رأی مورخه

۲۹ ژانویه ۱۸۶۶ مندرج در مجله سیری ۱۸۶۶، بخش ۱، صفحه ۱۰۵.



قسمت سوم: شرایط مربوط به اشخاص

اول: شرایط مربوط به بدهکار

۲۵۹۸ - بدهکاری که دعوی پل در مورد اعمال وی اقامه می‌شود باید عاجز از پرداخت دین بوده [یا قیمنده اموال او کفاف پرداخت دیون او را ننماید] و به صورت متقلبانه عمل کرده باشد. ما مجدداً به شرط اعسار که در بالا با مفهوم خاص خود ملاحظه نمودیم، اشاره نمی‌کنیم. [مفهومی] که از معنای مرسوم و متعارف اعسار، به این معنی که حاوی تفوق بدهی شخص بر طلب وی می‌باشد، بدور است. بنابراین آنچه را باید از مفهوم تقلب در هنگام طرح دعوی پل در نظر گرفت، در این قسمت اشاره می‌کنیم.

۲۵۹۹ - رویه قضایی برای مفهوم تقلب، تفسیری بسیار وسیع و گسترده قائل است. لازم نیست که بدهکار با قصد آسیب رساندن به طلبکاران اقدام کند. در دعوی پل، مفهوم تقلب بدین صورت تعریف گردیده است که صرف آگاهی از حدوث زیان نسبت به طلبکاران، تقلب به حساب می‌آید. بدهکاری که اطلاع دارد عمل وی، سبب تحقق عجز از پرداخت دیون وی یا شدت دادن به این وضعیت نسبت به او می‌گردد، فرض بر این است از روی تقلب عمل نموده است.<sup>(۱)</sup> این امر باعث می‌شود اثبات خصیصه متقلبانه اعمال بدهکار از جانب طلبکارانی که بنا به فرض بار اثبات عهده آنها می‌باشد و قصد دارند به طرح دعوی پل اقدام نمایند، آسانتر شود.<sup>(۲)</sup>

۲۶۰۰ - ضرورت تقلب بدهکار با تعریف مذکور، امری عام و مطلق محسوب می‌گردد. با این حال در مورد برخی از متون خاص که در آنها اجازه ابطال اعمال زیانبار بدهکار به طلبکاران اعطا گردیده است، بدلیل عدم ذکر تقلب، تردید بوجود می‌آید.

۱- رأی ۱۲۶ اکتبر ۱۹۴۲ شعبه اول مدنی دیوان کشور مندرج در دالوز ۱۹۴۳، صفحه ۱۸. رأی ۲۳ ژوئیه ۱۹۳۷ پاریس

مندرج در دالوز ۱۹۳۹، بخش ۲، صفحه ۸۱ که بوسیله (Radount) شرح داده شد. رأی ۱۰ ژوئن شعبه تجاری دیوان

کشور فرانسه مندرج در دالوز ۱۹۶۸، صفحه ۱۱۶ شرح داده شده بوسیله (Lombos).

۲- «اثبات تقلب آنگونه که تعریف گردید می‌تواند بوسیله همه دلایل و وسایل مخصوصاً امارات قانونی و قضایی

بعمل آید» رأی شعبه سوم مدنی دیوان کشور فرانسه در تاریخ ۲۳ آوریل ۱۹۷۱ مندرج در مجله هفتگی ۱۹۷۱، بخش

برای مثال ماده ۶۲۲، قانون مدنی در مورد «اعراض از حق انتفاع»<sup>(۱)</sup> یا ماده ۷۸۸ در مورد «ترکه»)، ادعا شده است که این اعمال، بعنوان موارد استثناء بر قاعده کلی مذکور محسوب می‌شوند و حتی در صورت نبود تقلب نیز می‌توانند ابطال شوند. اما این نظر، عقیده‌ای غالب محسوب نمی‌شود. شرط تقلب در ظاهر متن ماده ۱۱۶۷ قانون مدنی، بعنوان پایه و مبنای دعوی پل، وجود دارد و این امر به تنهایی توجیه‌کننده ضمانت اجرای اهمیت تقلب برای وابستگی دعوی پل به آن، می‌باشد.<sup>(۲)</sup>

دوم: شرایط مربوط به شخص ثالثی که مالی را از بدهکار بدست آورده است.

۲۶۰۱- در آغاز بحث گفتیم که دعوی پل علیه بدهکار معسری که همه اقدامات، نسبت به وی بدون نتیجه است طرح نمی‌شود بلکه علیه شخصی اقامه می‌شود که با بدهکار معامله‌ای انجام داده و قاعدتاً یکی از اموال بدهکار را تحصیل نموده است. بنابراین مسأله‌ای که باید از آن آگاه شد این است که آیا شخص ثالث مذکور نیز باید به صورت متقلبانه، معامله نموده باشد؟

در متون قانون، هیچ‌گونه پاسخی به این مسأله ملاحظه نمی‌شود. در عین حال، تاریخ حقوق روم، پاسخ این مسأله را با خود همراه دارد. بر اساس این تاریخ، میان اشخاص ثالثی که اموال بدهکار را به صورت معوض بدست آورده‌اند با آنهایی که مجاناً تحصیل مال نموده‌اند، تمایز وجود دارد.

۲۶۰۲- هر گاه شخص ثالث (خواننده دعوی) به صورت معوض معامله‌ای انجام داده و مالی را مثلاً بدنبال بیع بدست آورده است، دعوی پل هنگامی علیه او موفقیت آمیز خواهد بود که در تقلب [بدهکار] شریک باشد. اگر شخص مذکور دارای حسن نیت باشد - به این معنی که از عمل مذکور بدهکار و منجر شدن آن به تحقق اعسار وی یا شدت دادن به وضعیت اعسار بی‌اطلاع باشد - عمل مذکور غیرقابل خدشه می‌باشد.

در مقابل اگر شخص ثالث به صورت مجانی تحصیل مال نموده باشد، حتی در صورت داشتن حسن نیت هم، این هبه [یا بطور کلی هر عمل مجانی] قابل ابطال

1- la renonciation 'a un usufruit.

۲- رأی مورخه ۲۱ دسامبر ۱۸۵۹ مندرج در دالوز ۱۸۶۱، بخش ۱، صفحه ۲۲۶. رأی شعبه عرایض دیوان کشور فرانسه

مورخ ۱۱ دسامبر ۱۸۷۸ مندرج در مجله سیری ۱۸۸۰، بخش ۱، صفحه ۲۸.

می‌باشد. تقلب در شخص و اهب لازم است نه در طرف متهب. به این ترتیب، قبول هبه همیشه خطرناک است و احتیاط حکم می‌کند که قبل از قبول هبه، از توانایی و اهب در پرداخت دیون وی اطلاع حاصل آید. بدون اطلاع بر این امر، خطر از دست دادن و محرومیت از هبه در نتیجه دعوی پل وجود دارد.

۲۶۰۳ - علت تفکیک میان اشخاص ثالثی که به صورت معوض معامله نموده‌اند با آنهایی که از طریق معامله مجانی مالی بدست آورده‌اند چیست؟ سابق بر این، رومیان، توجیه این تمایز را چنین شرح داده‌اند: اشخاصی که به صورت معوض تحصیل مال نموده‌اند، از ورود زیان شاکمی بوده و اجتناب می‌کنند ولی آنهایی که بدون پرداخت عوض، مالی را بدست آورده‌اند، نسبت به حفظ یک منفعت و سود شاکمی می‌باشند. لذا اشخاص اخیر شایسته نفع و توجه کمتری هستند. حتی اگر کل وضعیت بدهکار را فراموش نمایند و از آن بی اطلاع باشند باز هم هر مالی را که بدست آورده باشند، از دست می‌دهند (رویه قضایی نیز مؤید این امر می‌باشد).<sup>(۱)</sup>

۲۶۰۴ - در صورتی که شخص ثالث مال بدست آورده را در گردش اموال، به صورت قانونی منتقل نماید، چه تصمیمی باید اتخاذ نمود؟ آیا طلبکاران می‌توانند، تحت همان شرایط، علیه گروه اخیر یعنی «کسانی که اموالی را از شخص ثالث اول دریافت نموده‌اند»<sup>(۲)</sup> اقدام به طرح دعوی کنند؟ باید بین مصادیق مختلف، تفکیک قائل شد:

- اگر منتقل الیه اول از دعوی استرداد مال مصون باشد، مخصوصاً در موردی که تحصیل مال توسط شخص ثالث به صورت معوض و با حسن نیت باشد، در این حالت مال به طور قطعی از دارایی بدهکار خارج شده است. بنابراین منتقل الیه دوم نیز از شمول دعوی پل مصون است.

- در مقابل اگر تحصیل مال توسط منتقل الیه در شرایطی بدست آمده باشد که

---

1- Cette distinction est quelquefois d'une mise en oeuvre de l'icite. La caract'ere gratuit ou 'a titre on'ereux de certains actes pouvant preter 'a doute. Il en est ainsi notamment en ce qui concerne les conditions de dot. (V. les re'fe'rrences doctrinales et jurisprudentielles 'a ce sujet

in Dalliz, Re'p. dr. civil pre'cite', no. 5 et s).

2- le sous - acque'reur.

طلبکاران بموجب آن شرایط، مجاز در استرداد مال از طریق دعوی پل می‌باشند، (مثلاً متهم باشد یا شخصی که به صورت معوض و پس از شریک شدن در تقلب بدهکار، مال را بدست آورده باشد) مسأله دقیق‌تر می‌شود.

ادعا شده است که دعوی پل، یک دعوی بطلان است و بدلیل بطلان اولین انتقال، بدون اینکه شرط دیگری لازم باشد، «انتقال فرعی»<sup>(۱)</sup> دیگر هم باطل می‌شود. اما رویه قضایی دنباله‌رو این تئوری نیست: دعوایی که علیه منتقل‌الیه دوم طرح شده است، موفق نخواهد بود مگر اینکه شرایطی که برای استرداد اموال لازم است، نسبت به این شخص، رأساً، فراهم آید، علت این راه حل در این است که دعوی پل، یک دعوی واقعی نیست بلکه بیشتر، نوعی دعوی جبران خسارت، نزدیک به دعوی مسئولیت مدنی، محسوب می‌گردد.<sup>(۲)</sup> تحلیل مذکور با بررسی آثار دعوی پل، مورد تأیید قرار می‌گیرد.

۲۶۰۵ - راجع به مفهوم «شرکت در تقلب»<sup>(۳)</sup> از سوی منتقل‌الیه اول و در جایی که این مفهوم، احتمالاً نسبت به منتقل‌الیه دوم مطرح می‌گردد، این مسأله باید مورد توجه قرار گیرد که آیا این مفهوم دلالت بر قصد سوء دارد یا صرف آگاهی از زیان احتمالی طلبکاران، کافی است؟ دکتین و رویه قضایی، مفهوم اخیر را تأیید نموده‌اند. بنابراین اگر برادر زن بدهکار در جریان مشکلات مالی وی [مالی از او بدست آورد] چنین تلقی می‌شود که شرکت در تقلب وجود دارد و این عمل به منزله شرکت در تقلب با بدهکار است.<sup>(۴)</sup>

**سوم: شرایط مربوط به طلبکاری که دعوی پل را طرح می‌کند**

۲۶۰۶ - برای اقامه دعوی پل، باید عنوان «طلبکار» بر خواهان صدق نماید (طلبکار عادی، طلبکار با حق رهانه و طلبکار ممتاز). مسلماً [خود] بدهکار یعنی شخص متقلب و به طریق اولی، وارث او، حتی اگر از آندسته از وراثی باشند که آنها را

1- sous - alienation.

۲- رأی مورخ ۱۶ مه ۱۹۳۹ دادگاه لیموز ۱۹۴۱، ص ۱۳۹.

3- Complicité de fraude.

۴- رأی مورخ ۳ آوریل ۱۹۷۱ شعبه اول مدنی دیوان کشور فرانسه.

نمی‌توان از ارث محروم نمود،<sup>(۱)</sup> نمی‌توانند این دعوی را اقامه کنند.<sup>(۳)</sup>

طلبکارانی که طلب آنها مؤجل است،<sup>(۳)</sup> می‌توانند این دعوی را طرح نمایند زیرا اعسار بدهکار، شرط اجل و مهلت را زایل می‌کند (ماده ۱۱۸۸ قانون مدنی). رأیی که استرداد اموال را در دعوی پل اعلام می‌کند، همزمان اعلام‌کننده زوال مهلتی نیز می‌باشد که همه حقوق طلبکار را برآورده نخواهد کرد.

طلبکارانی که حق آنها مقید به شرط انحلال می‌باشد،<sup>(۴)</sup> می‌توانند در طول مدت شرط، دعوی پل را اقامه کنند. اما دعوی پل در مورد طلبکاران با حق معلق<sup>(۵)</sup> رد می‌شود. حقوق آنها احتمالی است و این طلبکارها فقط می‌توانند اقدامات احتیاطی را انجام دهند و حال آنکه دعوی پل عملی بالاتر و پراهمیت‌تر از اقدام احتیاطی است.<sup>(۶)</sup>

۲۶۰۷- برای دعوی پل، لزوماً، عنوان طلبکار کافی نیست. آنچه که بیشتر باید مورد توجه قرار گیرد، محاسبه تاریخ مربوط به طلب و عمل مورد تعرض بدهکار است. تنها طلبکارانی که قبل از انجام عمل بدهکار، صاحب حق شده‌اند می‌توانند این دعوی را طرح نمایند. توجیه این امر آسان است؛ طلبکارانی که بعد از تحقق عمل منجر به فقر دارایی بدهکار، صاحب حق شده‌اند، هیچ زیانی متحمل نمی‌شوند. وقتی طلب اینگونه طلبکاران ایجاد شده، اموال بدهکار، قبل از آن از دارایی وی خارج و منتقل شده است. لذا این طلبکاران، نمی‌توانند ادعا کنند که با ملاحظه این اموال، رضایت به معامله با بدهکار داده‌اند. تنها طلبکارانی که حقوق آنها قبل از تحقق عمل موجد انتقال اموال بدهکار، بوجود آمده است، از این حیث که اموال بدهکار، میزان و وثیقه [عمومی] آنها را که نسبت به کل اموال بدهکار می‌باشد، کاهش می‌دهد، دچار زیان می‌شوند.

۲۶۰۸- در صورتی که سند طلب طلبکار، عادی باشد،<sup>(۷)</sup> آیا تاریخ این سند لازم است مطابق با مفهومی که در ماده ۱۳۲۸ قانون مدنی آمده است مسجل گردد تا

1- les re'servataires.

۲- رأی شعبه عرایض دیوان کشور فرانسه مورخ اول ژوئیه ۱۸۸۹ مندرج در دالوز ۱۸۹۱، بخش ۱، ص ۳۰۵.

3- les cre'anciers 'a terme.

4- les cre'anciers sous condition re'solutoir.

5- les cre'anciers sous condition suspensive.

۶- رأی مورخ ۱۸ دسامبر ۱۹۵۷ شعبه اول مدنی دیوان کشور فرانسه مندرج در دالوز ۱۹۵۸، ص ۲۲۴.

7- le titer sous seing prive'.

اینکه تاریخ سند نسبت به عمل مورد تعرض بدهکار ثابت شود؟ مسأله مورد اختلاف است. بنظر می‌رسد که ضرورت تسجیل تاریخ سند مطابق حقوق عام در رویه قضایی وجود دارد.<sup>(۱)</sup>

۲۶۰۹- وقتی بدهکار با پیش بینی طلبی در آینده، اعیار خود را سازماندهی و فراهم می‌کند، ضرورت تقدم تاریخ طلب نسبت به تاریخ عمل مورد تعرض، کنار نهاده می‌شود. برای نمونه وقتی خواننده دعوی [بدهکار]، با ملاحظه جریان دعوی به اینکه در آن شکست می‌خورد و محکوم به پرداخت مبلغی پول به خواهان می‌شود، پیشاپیش اموال خود را منتقل می‌نماید به نحوی که وقتی رقیب او (خواهان پیروز) در دعوا پیروز می‌شود، هیچ مالی را برای توقیف نمی‌یابد. اما این تقلب توسط رویه قضایی خنثی شده است زیرا رویه قضایی در مواردی از این نوع، لازم نمی‌داند که طلب، مقدم بر عمل مورد تعرض بدهکار باشد. اما اوضاع و احوالی که نشان دهد در این حالت، پیش بینی متقلبانه صورت گرفته است، باید توسط طلبکار بدرستی ثابت گردد.<sup>(۲)</sup>

### بخش دوم: آثار دعوی پل

۲۶۱۰- عقیده کلی در مورد آثار دعوی پل این است که هدف از این دعوا، ابطال اعمال متقلبانه زیانبار نسبت به طلبکاران است. اما این ابطال تنها به هدف جبران خسارت و زیان طلبکارانی است که اقامه کننده دعوی می‌باشند. بطلان عمل متقلبانه وابسته به موضوع جبران خسارت می‌باشد و تنها در ارتباط ضرورت جبران است که نسبت به آن رأیی صادر می‌شود. ملاحظه نتایج این ایده، سبب نقطه نظرهایی مختلف می‌گردد که آنها را مورد توجه قرار می‌دهیم.

### قسمت اول: در روابط طلبکار و شخص ثالث طرف دعوی

۲۶۱۱- قبل از هر چیز متذکر می‌شویم که برخلاف دعوی غیرمستقیم، دعوی پل نسبت به خواهان، یک دعوی شخصی محسوب می‌شود. طلبکار، این دعوی را به نام شخص خود مطرح می‌کند نه به عنوان و از جانب بدهکارش [همچنانکه در دعوی

۱- رأی مورخ ۷ دسامبر ۱۹۶۱ دادگاه (Amiens) مندرج در مجله کاخ دادگستری ۱۹۶۲، بخش ۱، عنوان ۲.

۲- رأی مورخ ۱۵ نوامبر ۱۹۳۹ شعبه عرایض دیوان کشور فرانسه مندرج در دالوز هفتگی ۱۹۴۰، ص ۴۰. رأی مورخ

۱۰ فوریه ۱۹۶۴ دادگاه پاریس مندرج در مجله کاخ دادگستری ۱۹۶۴، بخش ۱، ص ۴۴۱.

غیرمستقیم است].

۲۶۱۲- اگر همه شرایطی که در بالا اشاره شد جمع گردند، عمل متقلبانه ابطال می شود و اموال، مجدداً به دارایی بدهکاری که توسط طلبکار، توقیف اموال شده است، بر می گردد.<sup>(۱)</sup> بطلان عمل عطف بماسبق<sup>(۲)</sup> می گردد. استرداد اموال متضمن استرداد منافع آنها که از زمان لغو و ابطال [عمل حقوقی مبنای] تحصیل آنها بوجود آمده نیز می باشد. اگر گیرنده مال «حسن نیت»<sup>(۳)</sup> داشته باشد (مانند متهب)، فقط آنچه را که باعث دارا شدن وی شده است می توان مسترد کرد ولی در صورت داشتن «سوء نیت»<sup>(۴)</sup> باید همه منافی را که بدست آورده است، و یا می توانست بدست آورد مسترد نماید (مواد ۵۴۹ و ۵۵۰ و ۱۳۷۸ قانون مدنی) و مطابق ماده ۱۳۸۲ قانون مدنی می توان او را به جبران خسارت وارده محکوم نمود.<sup>(۵)</sup>

در مقابل، شخص ثالث، حتی اگر دارای سوء نیت باشد، می تواند افزوده‌ای را که در مال مذکور فراهم آورده و اضافه نموده است، به شرط اینکه هنوز در آن مال وجود داشته باشد یا به شرط سوددهی به طلبکار، محاسبه و مطالبه نماید.

۲۶۱۳- بطلان ناشی از دعوی پل، لزوماً نسبت به تمام اعمال متقلبانه صورت نمی گیرد. در صورتی که اموال منتقل شده قابلیت تفکیک را داشته باشند، فقط تا اندازه‌ای نسبت به بطلان آنها رأی داده می شود که در جهت توجیه منافع طلبکار اقامه کننده دعوی، ضروری باشد.<sup>(۶)</sup>

از طرف دیگر خواننده دعوی، شخص ثالث، می تواند با از بین بردن نفع طلبکار [خواهان]، از بطلان عمل جلوگیری بعمل آورد. از زمانی که شخص ثالث، طلب طلبکار را پرداخت کرد، طلبکار حق امتناع از دریافت طلب و [اصرار] به اقامه دعوی بطلان را نخواهد داشت.

۱- رأی مورخ مه ۱۸۹۴ شعبه اول مدنی دیوان کشور فرانسه مندرج در دالوز ۱۸۹۴، بخش ۱، ص ۵۰۵.

2- l'etroactivement.

3- bonne foi.

4- mauvaise foi.

۵- رأی مورخ ۱۷ آوریل ۱۹۶۷ شعبه اول مدنی دیوان کشور فرانسه مندرج در دالوز ۱۹۶۷، عنوان ۷۳.

۶- رأی شعبه اول مدنی دیوان کشور فرانسه در تاریخ ۴ دسامبر ۱۹۲۳ مندرج در دالوز ۱۹۲۳، بخش ۱، صفحه ۲۲۲.

مجله سیری ۱۹۲۳، بخش ۱، ص ۲۵۴.

دعوی پل بعد از ۳۰ سال از تاریخ انتقال متقلبانه مشمول مرور زمان می‌شود.

### قسمت دوم: در روابط طلبکار [خواهان] با دیگر طلبکاران

۲۶۱۴ - برخلاف دعوی غیرمستقیم، دعوی پل واجد خصیصه شخصی و فردی است. این دعوی، صرفاً نسبت به طلبکاری که آن را اقامه نموده است حائز سود و منفعت است. اما مطابق قواعد مرسوم آئین دادرسی، طلبکاران دیگر می‌توانند در جریان دعوی وارد شوند،<sup>(۱)</sup> با این شیوه آنها یکی از طرفین دعوی پل می‌شوند و می‌توانند همزمان با کسی که این دعوی را در ابتدا اقامه نموده است، از منافع آن بهره‌مند گردند.<sup>(۲)</sup>

### قسمت سوم: در روابط شخص ثالث که مالی را تحصیل نموده است و

بدهکار

بطلان ناشی از دعوی پل، عملی را که توسط بدهکار و شخص ثالثی که گیرنده اموال می‌باشد، محقق شده است، منتفی نمی‌کند. شخص اخیر هرچند بدنبال دعوی پل، مکلف به رد نمودن اموال می‌باشد ولی می‌تواند با مراجعه به طرف قراردادی خود از او مطالبه جبران خسارت ناشی از خلع ید و استرداد اموال<sup>(۳)</sup> را بنماید. این امر نشان می‌دهد که بطلان ناشی از دعوی پل، عمل مورد تعرض را در روابط میان بدهکار و طرف قراردادی او، رها شده باقی می‌گذارد [نسبت به آن در روابط طرفین اثری ندارد]<sup>(۴)</sup>

اما مراجعه ثالث به بدهکار بطور کلی امری بسیار واهی و خیالی است زیرا بنا به فرض، بدهکار عاجز از پرداخت دیون است.

1- Intervenir dans l'instance.

۲- رأی ۱۵ ژوئن ۱۹۵۱ دادگاه بر دو مندرج در دالوز ۱۹۵۱، ص ۴۹۸.

3- Indemnité d'éviction.

۴- در اصطلاح حقوقی، عمل حقوقی بین شخص بدهکار و ثالث واجد اعتبار می‌باشد اما در برابر اشخاص ثالث قابل

استناد نیست ('L' inopposabilité'). [م]